

بازخوانی مفهوم سکونت در محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی (مبنتی بر بررسی تفسیری تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی و اجتماعی)

غلامرضا حقیقت‌نائینی¹، محمد شیخی²، مرتضی محمودی مهماندوست^{3*}

چکیده

بررسی تاریخ و شواهد زیست در محلات سنتی ایران مبین ساختار و نظام کالبدی و اجتماعی منسجم و خودساخته و بیان‌گر مفاهیم عالیله سکونت انسان است. در حالی که محلات امروز به تبع تغییر الگوی زیست و توسعه‌های نوین شهری، دیگر از مشارکت اهالی و نظام خود‌انگیخته محله‌محوری برخوردار نیستند. لذا توجه به اصول و آموزه‌های حاکم بر جریان زندگی اجتماعی و مفاهیم متعالی سکونت محله سنتی برای ارتقاء کیفی زیست در شهر امروز امری ضروری است. هدف از این پژوهش، بازشناسی مفهوم سکونت در محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی و روش تحقیق، ترکیبی از روش‌های تفسیری تاریخی و تحلیل محتوای داده‌ها است. این پژوهش ابتدا مختصری به تعریف و مفهوم محله پرداخته؛ سپس عوامل ادراک مفهوم محله و ویژگی‌ها و شاخص‌های هر عامل و نحوه ردیابی آن از محتوای متون ارائه شده است. در نهایت در بررسی متون به بازشناسی جریان زندگی و تجارب زیسته ساکنان محلات تهران پرداخته شده که این بخش با بهره‌گیری از چند تاریخ‌نوشته فرهنگی اجتماعی از محلات تهران صورت پذیرفته است. نتیجه این‌که عوامل و معیارهای ادراک مفهوم محله حاکی از نقش اجتماعی و مشارکت شهروندان در جنبه‌های مختلف سکونت از جمله امور خیر و نهضت‌های اجتماعی سیاسی در محلات است. محلاتی که مکان ظهور و تبلور ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله وقف، نیکوکاری، احترام به بزرگان و دستگیری محرومان بوده؛ در حالی که مفاهیم قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم در کالبد محله و ادراک ساکنان تعریف و نمود یافته و به واسطه تامین نسبی بسیاری از خدمات در محله و آرامش حاکم بر سکونت اجتماعی، ساکنان از رضایت‌مندی نسبی برخوردارند. در نتیجه ساکنان خود را جزئی از محله دانسته و می‌توان تبلور تعلقات مکانی به محله را در ابعاد مختلف کالبدی، رفتاری و معنایی شاهد بود.

کلمات کلیدی: محله، ادراک مفهوم محله، تهران، قاجار، پهلوی، تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی و اجتماعی

*این مقاله مستخرج از رساله دکتری شهرسازی دانشگاه هنر (تهران)، نویسنده مسئول، تلفن: 09128166307. haghighatreza@gmail.com
2. دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، 09123020135 m.shaihi3000@gmail.com
3. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر (تهران)، 09155177460. M.mahmodi.25@gmail.com

1. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر (تهران)، نویسنده مسئول، تلفن: 09128166307. haghighatreza@gmail.com

2. دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، 09123020135 m.shaihi3000@gmail.com

3. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر (تهران)، 09155177460. M.mahmodi.25@gmail.com

مقدمه و طرح مساله

تحولات شتابان شهرنشینی و به تبع آن الگوهای جدید سکونت سبب شده روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی کاهش یافته و ارزش‌های فردگرایانه بر ارزش‌های اجتماع‌گرایانه غلبه یابد. بررسی محققان علوم اجتماعی نشان می‌دهد عموماً فردگرایی در جامعه ایران رو به گسترش است. (صدیق سروسستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۱۸۶) از سوی دیگر شهرسازی سده بیستم بیش از آن‌که معطوف به کیفیت ارتباطات باشد، متوجه کمیت آن بوده و از این رو پیوستگی و تعلق احساسی با مکان مورد غفلت قرار گرفته است. (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۱) محله نیز به مثابه جایی که به تعبیر «کولی» جزء مکان‌های نخستین ارتباطی هر فرد با جامعه اوست، در پذیرش تبعات و گرایش‌های مدرنیته و از پس آن جهانی‌شدن، ارزش‌ها و مفاهیم سنتی خود را از دست داده؛ به طوری که امروزه تغییر مداوم و متنوع بافت اجتماعی محله‌ها، گسترش رویکردهای منفعت‌طلبانه و سودجویانه اقتصادی، افزایش تمایلات فردگرایانه و رقابت برای بهره‌مندی از امکانات و خدمات بیشتر و پربارتر رفاهی، فقدان اعتماد عمومی و محافظه‌کاری در روابط جمعی، اساس زندگی در محله‌های امروزی را تشکیل می‌دهد. در نتیجه تفاوت‌های اجتماعی، ناهمگنی فرهنگی، تضعیف روابط همسایگی و کمرنگ شدن تعلقات مکانی از جمله آسیب‌های جدی موثر بر مفاهیم همسایگی و سکونت در محلات امروز است. (فاضلی، ۱۳۹۱: ۲۸۶-۲۸۴) به بیان دیگر محلات با تاثیرپذیری از توسعه شهرنشینی نوین در فرآیند تغییر و تحول ساختاری و عملکردی چهره‌ای جدید یافته‌اند. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹) با این توصیف امروزه از اهمیت محله در شهرها به خصوص در جوامع پیشرفته‌تر کاسته شده و اساس ارتباطات امروز بر پایه اصول متفاوتی نسبت به گذشته استقرار یافته است. (زکریایی، ۱۳۹۱: ۲۳) این در حالی است که «محله» به عنوان اولین و مهم‌ترین مقیاس سکونت جمعی پس از خانواده از اهمیت خاصی در زندگی شهری و روابط شهروندی برخوردار است که توجه به مفاهیم آن را ضروری می‌سازد. از طرف دیگر بررسی شواهد و مطالعات تاریخی محلات در شهر ایرانی-اسلامی مبین اهمیت مفاهیم اجتماعی و معنایی در نظام زیست جاری در محلات است؛ حتی ساختار کالبدی و فضایی شکل-دهنده محلات نیز برگرفته از صفات و تدابیری است که متأثر از مفاهیم زندگی دینی و جهان‌بینی اجتماعی ساکنان آن می‌باشد. کالبدی که بر پایه مفاهیمی چون تعاون، حریم، اصالت، حس تعلق و ... شکل گرفته و خود عاملی است بر تقویت و ترویج مفاهیم متعالی و اجتماعی زیست انسان؛ از این رو این مقاله به دنبال بازخوانی مفهوم محله در گذر تاریخ شهرسازی ایران است. با این هدف دوره‌های متاخر تاریخی یعنی قاجار و پهلوی به عنوان دوره تاریخی مورد نظر پژوهش و شهر تهران، پایتخت دویست و چند ساله سرزمین ایران، به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. این دوره‌ها به منزله محمل تحولات دوره معاصر از اهمیت ویژه و به علت تاخر زمانی از نقش و تاثیر بیشتری بر سکونت امروز برخوردارند، در عین حال که شواهد و آثار برجای مانده از این دوره‌ها و مطالعات و پژوهش‌های تکمیلی پیرامون آن‌ها، امکان بررسی دقیق‌تر و معتبرتری را فراهم خواهد آورد. این مقاله به دنبال یافتن مفهوم محله از دل متون منابع مکتوبی است که به تاریخ فرهنگی و اجتماعی محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی (شامل پهلوی اول تا حدود اواسط پهلوی دوم) پرداخته است. از آنجا که مفهوم محله از طریق ادراک ساکنان از آن میسر می‌گردد، ابتدا عوامل ادراک مفهوم محله با بررسی و تحلیل مبانی نظری تبیین شده و در نتیجه ۶ معیار به عنوان معیارهای ادراک محله معرفی شده است. سپس به جهت تبیین نحوه بررسی و تحلیل معیارها از دل متون، ویژگی‌ها و شاخص‌های

۱ پارلز هورتون کولی اصطلاح گروه نخستین (Primary Group) را در مقابل گروه ثانوی (Secondary Group) به کار برده است. از نظر وی، گروه‌های ثانوی بنا به تمایلات شخصی افراد شکل می‌گیرند. در این گروه‌ها روابط بین اعضاء رسمی و قراردادی است. (سرعلی و پوردیبهیمی، ۱۳۹۵: ۱۷)

معرف هر معیار در متون تبیین شده؛ به عبارت دقیق‌تر، در تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌های معیارها به دنبال این نکته بوده‌ایم که معیارهای معرفی شده چگونه در متون نمود یافته‌اند. بدین ترتیب پس از تبیین شاخص‌ها و ویژگی‌های معرف معیارها، به بررسی و تحلیل جایگاه هر معیار و شاخص‌های آن در چند تاریخ‌نویسه فرهنگی اجتماعی پرداخته شده است؛ درنهایت این پژوهش از طریق بررسی منابع تاریخی اجتماعی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که محلات در ادراک ساکنان در دوره‌های تاریخی پژوهش چه مفاهیمی را دربرداشته‌اند. از جمله محلاتی که با بهره‌گیری از منابع تاریخی به بررسی آن‌ها پرداخته شده می‌توان به محله عودلاجان، سنگلج، امامزاده قاسم، خانی‌آباد و محله کلیمیان تهران اشاره کرد.

روش تحقیق

در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تفسیری تاریخی و تجزیه و تحلیل محتوای داده‌ها به کار گرفته شده است. بدین ترتیب در نیل به هدف پژوهش ابتدا مختصری بر تعریف محله آورده شده؛ سپس عوامل ادراک مفهوم محله متأثر از مولفه‌های عام کالبدی، رفتاری و ادراکی معنایی «مکان سکونت» استخراج و تحلیل شده و برای فهم بهتر جایگاه عوامل ذکر شده در متون تاریخی، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی که بر اساس آن می‌توان هر عامل ادراک را در متون ردیابی نمود نیز ارائه گردیده و در نتیجه ابزار و شرایط برای کاوش در دل متون تاریخی فراهم آمده است. در گام بعدی یعنی در بررسی متون که به عبارتی باید آن را بیان جریان زندگی و تجارب زیسته ساکنان محلات دانست، قسمت‌هایی از متون تاریخ‌نویسه‌های فرهنگی اجتماعی گزینش و استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته؛ بدین ترتیب می‌توان دریافت که هر عامل ادراک مکان سکونت (محله) در جریان زندگی و ادراک ساکنان از محله چگونه تعریف و مفهوم یافته که این بخش از پژوهش یعنی کاوش و جمع‌آوری داده‌ها، دسته‌بندی و سپس تحلیل و تفسیر آن‌ها نیز به روش تفسیری تاریخی صورت گرفته است.

ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

ادبیات و مبانی نظری «محله» دامنه گسترده و متنوعی دارد. به بیانی دیگر تعاریف، مفاهیم، ویژگی‌ها و اصطلاحات مختلفی با محله و جایگاه آن در تاریخ شهر ایرانی- اسلامی در ارتباط است. البته محله مفهومی آشنا و به‌ظاهر سهل از حیث معنایی است، آن‌چنان‌که کمتر کسی هست که با این واژه بیگانه باشد. با وجود آشنایی حداکثری با این واژه، معنا و ماهیت آن در تک‌تک افراد به فراخور تجربه زیسته و دانش فردی آنان از تنوع قابل توجهی برخوردار است. به همین اعتبار لانکستر، محله را محصولی پیچیده حاصل از عوامل زیرساختی، جمعیتی، اجتماعی، خدماتی و محیطی، دسترسی، سیاسی، اقتصادی، حسی و کالبدی می‌داند. (Lancaster, 1966).

تعریف و مفهوم محله

در مجموع در تعاریفی که با رویکردهای مختلف تاریخ‌محور، اجتماع‌مبنا، کمی‌گونه و یا عملکردگرا برای محله ارائه شده است دو وجه غالب قابل پیگیری است. اول محله به عنوان موجودیت فیزیکی و دوم محله به عنوان یک ساختار اجتماعی. (قرایی، ۱۳۸۷: ۸۷). در نتیجه محله هم بر وضعیت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند اشاره دارد و اکثر اندیشمندان در تعریف خود بر عوامل کالبدی و فیزیکی محله و یا بر عوامل اجتماعی و فرهنگی و یا بر هر دو تأکید کرده‌اند. (کلانتری خلیل‌آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۰ و ۴۱) بدین اعتبار می‌توان گفت محله به‌واسطه داشتن بستر عینی و درعین حال کیفیات ذهنی، مکانی است معنادار و از آنجایی که سکونت به

مفهوم متعالی خود یعنی «بودن و تعلق خاطر داشتن» و «در آرامش قرار یافتن» امر اصلی جاری و ساری در محلات است، مکانی است برای سکونت.^۱

در مجموع با بررسی آراء و نوشته‌های اندیشمندان می‌توان نگرش آن‌ها در تعریف محله ایرانی را به سه گروه اصلی تقسیم نمود. گروه اول تاکید بر هویت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه قرار داده و به مفهوم محله بیشتر با رویکرد تاریخی توجه کرده‌اند و تعریف آن‌ها از مفهوم محله برگرفته از همان مفهومی است که در گذشته جاری بوده است. (اشرف، ۱۳۵۳: ۳۵۰)، (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۵)، (شکویی، ۱۳۶۹)، (پیرنیا، ۱۳۷۱)، (فلامکی، ۱۳۷۴: ۱۳۲) و ... گروه دوم سعی کرده‌اند تا محله را در دوره معاصر و با نوعی نگرش قیاسی و تکمیلی بر تعاریف غربی و با غلبه رویکرد کمی و عملکردی تعریف نمایند. این اندیشمندان در جهت تهیه الگوی واحد محله‌ای در ایران، سعی در مشخص کردن اندازه، مساحت، جمعیت و کاربری‌های موردنیاز و یا ویژگی عناصر و اجزای محله مشابه آن‌چه که در شهرسازی غرب با عنوان واحد همسایگی تعریف می‌شود، داشته‌اند. (شیعه، ۱۳۷۳: ۴۳۵)، (حیبی و مسائلی، ۱۳۷۸: ۳۵)، (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ۳۵) و ... گروه سوم دسته‌ای از اندیشمندان متقدم اسلامی هستند که با تاکید بر اجتماع و زیست اجتماعی و اسلامی شهرنشینان، نگاهی آرمان‌شهری به محله داشته‌اند. این دسته در تعریف مدینه فاضله خود مبتنی بر جایگاه خلیفه الهی انسان بر زمین و لزوم کمال آثار و ساخته‌های انسانی، نقش و جایگاهی ویژه برای محلات و ساکنان آن در اداره و سازماندهی شهر در نظر پرورانده‌اند. (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۱۹۶)، (نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶)، (ملاصدرا، ۱۳۶۳)، (سهروردی، ۱۳۷۷) و ... بدین اعتبار این پژوهش با توجه به بهره‌گیری از تاریخ‌نوشته‌های اجتماعی فرهنگی و روش تفسیری تاریخی خود، به نوعی رویکرد اندیشمندان دسته اول (تاریخ‌محور) و دسته سوم یعنی (اجتماع‌مبنا) را مورد توجه قرار داده است.

عوامل و مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله

عوامل و فاکتورهای متنوعی در ادراک مخاطب از مکان نقش دارد که عموم آن‌ها زیرمجموعه سه مولفه ساختار کالبدی و فیزیکی، رفتارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و در نهایت معانی مستتر در مکان است. این عوامل ضمن تاثیر و تاثر بر یکدیگر بر ادراک ساکنان از محله موثرند. در این بند به تدقیق و استخراج عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله و نحوه بروز و نمود، کاوش و ردیابی عوامل فوق در متون تاریخی خواهیم پرداخت.

۱- تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی: سطح ادراک فرد از مکان با مشارکت وی در فعالیت‌های متناسب با مکان مرتبط است. (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۵ به نقل از شامای، ۱۹۹۱). فلاح و ملک‌پور، برپا داشتن سنت‌ها، رعایت نظم اجتماعی و حضورپذیری در فضاهای جمعی محلات را از نمودهای مشارکت اجتماعی محلات برشمرده‌اند. (فلاح و ملک‌پور، ۱۳۹۲) کلیه توصیفات نویسندگان و مورخان تاریخی از جماعت محلات، رفتارهای جمعی، ارتباطات و کنش‌های اجتماعی، تعاون، یاری و مشارکت اجتماعی در امور و فعالیت‌های فردی و یا اجتماعی، برگزاری آیین‌ها و مراسم مختلف مذهبی و غیره، رعایت نظم اجتماعی، حضورپذیری و تمایل به حضور در ارتباطات جمعی را می‌توان بیان‌گر این ویژگی و شاخصه محلات دانست.

۲- کیفیت حس تعلق به محله: حس تعلق محله‌ای عبارت است از نوعی حس یکپارچگی با سایر اعضای اجتماع که مفهوم ذهنی محله بر آن بنا شده است؛ (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸) تعلق خاطر به مکان سکونت از ویژگی‌های مهم

۱ این رویکرد به مفهوم مکان و سکونت، برگرفته از آراء اندیشمندان حوزه پدیدارشناسی مکان از جمله هایدگر، شولتز، راپاپورت، الکساندر و سایر نظریه‌پردازان این دسته می‌باشد که بر این اساس محله مکانی حاوی معنا برای سکونت به تعبیر متعالی آن یعنی «حضور، تامل و در آرامش قرار یافتن» است.

ادراک مفهوم محله است. بررسی تاریخی محلات ایرانی نیز مبین نمود چنین ویژگی مشهودی با مظاهر مختلفی است تا جایی که حتی ساکنان با نام آن محله شناسایی می‌شده‌اند.^۱ با برقراری حس تعلق به مکان، ساکنان هر محله، خود را جزئی از محله و متعلق به آن دانسته و به همین سبب خود را متعهد و مسئول در قبال کلیه اجزاء و ابعاد محله می‌دانند. از این رو تمایل به حضور در تعاملات محلی و مشارکت در فعالیت‌های محله افزایش یافته و حس یاری و احسان به هم‌محله‌ای‌ها به عنوان جزئی از مولفه‌های محله تقویت می‌گردد. همچنین نوعی تعلق و تعهد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای ساکنان پدیدمی‌آید. از سوی دیگر علاوه بر تعلق ذهنی ساکنان به محله و هم‌محله‌ای‌ها، تعلق بیوگرافیکی و عرقی محلی نمود عینی یافته و بسیاری از ساکنان با پسوند نام محله و یا ویژگی خاصی از محله شناخته شده و معرفی می‌گردند. با همین نگرش بیان تفاوت و برتری محله در مقایسه و رقابت با سایر محلات نیز از دیگر نمودهای حس تعلق ساکنین به محلات به شمار می‌رود که در بسیاری از روابط بین محلات نمود می‌یابد. این عامل سبب شده تاریخ‌نگاران در بیان خاطرات و احوالات محله نیز از ادبیات تمجیدگونه و احترام‌آمیز و الفاظ فاخر برای معرفی محله خود بهره گیرند که آثار آن در بررسی متون و منابع مکتوب قابل پیگیری است. در مجموع پیامد حس تعلق به محله را می‌توان در رضایت‌مندی ساکنان از محله و استمرار و تداوم در سکونت مشاهده کرد. تمایل افراد به برقراری تجمعات و نشست‌های محلی و پیگیری اقدامات عام‌المنفعه در محلات نیز از دیگر آثار و پیامدهای حس تعلق محلی است.

۳- قلمرو، سلسله مراتب و حریم: در اندیشه اسلامی حریم در مسکن به عنوان محل آرامش افراد، جایگاه ویژه‌ای دارد. حجب و پوشیدگی خانه مسلمانان، از ویژگی‌های شهر اسلامی است که در نقاط مختلف دنیا بر اساس فرهنگ، رسوم محلی و مصالح موجود به شیوه‌های گوناگون رخ می‌نماید.^۲ (Dudley, 1988: 83). به تعبیری حریم در محلات، سلسله مراتب در دسترسی از مراکز محلی، مرز محلات تا کوی و خانه‌ها است. یکی از مفاهیم موثر بر ادراک ساکنان از محله، قلمرو و به تبع آن سلسله مراتب و مفهوم حریم در تعبیر ایرانی- اسلامی آن است. بر پایه این مفهوم ساکنان محله بر اساس تصویر ذهنی- ادراکی مبتنی بر جنبه فردی و اجتماعی برای محله خود قلمرویی شناخته شده قائلند که متأثر از ابعاد جغرافیایی، کالبدی، اجتماعی و معنایی مکان است. بر پایه این مفهوم، تعبیر «هم‌محله‌ای»، «محله ما» با پیش‌زمینه نوعی مالکیت و اختیار معنا می‌یابد. به تعبیری، قلمرویی از جنس محدوده کالبدی، ارتباطات اجتماعی و ادراک ذهنی موجب تشکیل نقشه‌ای ذهنی از محدوده مکانی محله می‌شود که برای ساکنین محله قابل فهم و اشتراک است. این مفهوم در متون تاریخی در قالب بیانی حاوی تملک و اختیار در محدوده قلمرو محلی و یا توصیفاتی از گروه‌های اجتماعی بسته محلی با زمینه تعلق خاطر به گروه و یا در وصف ساختار کالبدی، اجتماعی و ذهنی محله که مبتنی بر نوعی سلسله‌مراتب و حریم‌بندی بوده، بروز و نمود یافته است.

۴- ارزش‌های فردی و اجتماعی در محله: به عقیده ادوارد رلف (۱۳۸۹)، ارزش‌های فردی و جمعی یکی از مولفه‌های موثر بر ادراک مکان محسوب می‌گردند. برگرفته از پژوهش‌ها، ارزش‌های بیان شده توسط ساکنان در بعد اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. نتایج مطالعات بیان‌گر این مطلب‌اند که در نظر ساکنان محله، ارزش‌های موجود در یک محله عبارتند از قدمت، منحصر به فرد بودن، زیبایی، هماهنگی و وحدت که به عنوان مؤلفه‌های ارزش تاریخی مطرح شده‌اند و شخصیت و هویت، سرمایه اجتماعی و خاطرات جمعی که به عنوان مؤلفه‌های ارزش فرهنگی مورد نظر بوده‌اند.

۱ مانند پسوند شهر یا محله سکونت در نام‌گذاری افراد همچون، حیدری‌ها، نعمتی‌ها، پشت مسجدی‌ها، عودلاجانی‌ها، نظام‌آبادی‌ها و ...
 ۲ تقسیم خانه به بخش‌های بیرونی و اندرونی، تعبیه دو نوع کوبه بر در خانه برای تمایز بین مهمان زن و مرد و استفاده از شیشه‌های ریز و رنگی یا مشجر، از جمله شیوه‌های به کار رفته در شهرهای اسلامی است.

(پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۸) با توجه با ماهیت اجتماعی محله، طبیعی است که بسیاری از ارزش‌های جاری در محله، ماهیتی اجتماعی دارند؛ عدالت، سخاوت، احسان، دوستی، تعاون و... همه از فضایی است که اساساً در زندگی و مناسبات اجتماعی فرصت بروز و ظهور می‌یابند. در نتیجه توصیفاتی که به هر کدام از ویژگی‌های فوق پرداخته و در آن فرد یا گروهی را به واسطه این امور و رفتارها مورد تحسین و تمجید قرار داده می‌تواند در بررسی و تحلیل متون مورد توجه قرار گیرد و شاخصی برای ارزش در جامعه تلقی گردد. گرچه باید پذیرفت که برخی از ارزش‌ها تابع مکان بروز آن نسبی و کیفی است و قاعدتاً نمی‌توان انتظار تکرار عینی مصادیق در محلات مختلف داشت.

۵- عناصر کالبدی شاخص و نمادین محله: محققین بسیاری بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ادراک از مکان تاکید داشته‌اند. تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و ادراک مکان محسوب می‌گردد. رایجر و لاوراکاس^۱ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی کالبد اشاره کرده که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنا، به خاطر می‌سپارد. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸) در اندیشه اسلامی، انسان جانشین خدا بر زمین و دارای باطن خدایی است، لذا ظرف و محیط زندگی خاکی او نیز باید کالبدی متناسب با ماهیت الهی اش داشته باشد. با پذیرش جنبه فرامادی برای عناصر و ابنیه و تاثیر ذهنی و ادراکی آن بر مخاطب، واضح است که عناصر و بناهای شاخص در محله علاوه بر کالبد و کارکرد خود، با توجه به ادراک ساکنان، دارای معانی و مفاهیم منحصر به فرد خواهند بود. این معانی با خاطرات فردی و جمعی ساکنان از عناصر شاخص ارتباط تنگاتنگی برقرار می‌سازد. به عنوان مثال بنای شاخص مسجد محله و یا عناصری چون مظاهر قنوت و یا درخت‌های شاخص بسیار قدیمی در برقراری ارتباط معنایی بین ساکن و بنا یا عنصر شاخص و در مجموع ادراک ساکنان از محله بسیار موثرند. لذا در بررسی متون، در موارد بسیاری نویسندگان به توصیف معنادار و روایتی خاطره‌گونه از عنصر یا ابنیه شاخص محله داشته‌اند که بیان‌گر برقراری ارتباط قوی بین ساکنان و برخی عناصر کالبدی محله است.

۶- کیفیت رضایت‌مندی از محله: در مطالعه‌ای که لنسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹ صورت دادند، رفاه و رضایت‌مندی یکی از معیارهای اصلی سنجش کیفیت ادراک مکان مطرح گردید؛ بر این اساس «مکان با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت‌مندی را به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، به جمعیتش منتقل می‌کند.» (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵ به نقل از Lansing & Marans, 1969: 195-199) پس از پذیرش نقش رفاه و خدمات و پیامد آن رضایت‌مندی در ادراک مطلوب‌تر مکان، باید گفت بسیاری از صفات و شاخصه‌های ارزشی ذکر شده در بند ۴ از جمله عدالت، آموزش، رفاه اجتماعی و... در مقابل عناصر شناخته شده‌ای چون مسجد، مکتب، مدرسه و بازارچه در محلات نشان از اهمیت وجود خدمات در محلات دارد، علاوه بر این تامین بهتر نیازها و ارضاء خواست‌های فردی و اجتماعی از عوامل رضایت‌مندی جمعی است. در نتیجه در تبیین آثار رضایت‌مندی از محله باید به دو نکته اصلی اشاره کرد. یکم این‌که با ارتقاء حس رضایت‌مندی، تداوم به سکونت و تمایل به آن در محله و حس تعلق به آن افزایش می‌یابد. دوم این‌که ارتقاء حس رضایت‌مندی ساکنان موجب تقویت شرکت در تعاملات اجتماعی و حضور موثرتر در فضاهای جمعی محلات می‌گردد. باید گفت با توجه به پذیرش دو جنبه مادی و معنوی برای سنجش حس رضایت‌مندی در محله، تمامی عوامل موثر در ارتقاء رضایت‌مندی به نوعی در توصیفات و متون مورد نظر تحقیق، قابل پیگیری است. به عبارت دیگر وصف امکانات و تجهیزات محله و شرح نحوه خدمات‌رسانی، رفع نیازها و رفاه حاصل از آن در محله، تمایل بر حضور فعال در ارتباطات محلی، بیان تمجیدگونه و تحسین‌آمیز از محله

^۱ Lavrakas and Riger, 1981

و امکانات و ظرفیت‌های آن و بعضاً تأکید خاص بر برخی ویژگی‌های مثبت محله با بیانی اغراق‌آمیز از جمله شواهد قابل بررسی در متون و مدارک تاریخی است.

بدین ترتیب شش عامل ذکر شده به عنوان مولفه‌های اصلی موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکانی برای سکونت استخراج و تبیین گردیده است که البته این عوامل خود در ارتباط با یکدیگر و مکمل همدند. پس از تبیین و تحلیل عوامل و معیارهای ادراک مفهوم محله از دیدگاه ساکنان و توضیحاتی که در خصوص نحوه ردیابی و کاوش و نحوه دستیابی به میزان و کیفیت تبلور و نمود هر معیار در محله از دل متون ارائه شد در این مجال به جایگاه عوامل و معیارهای ادراک مفهوم محله در متون تاریخی مرتبط با تاریخ فرهنگی اجتماعی تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی می‌پردازیم. توضیح این‌که در پژوهش اصلی که این مقاله برگرفته از آن است، این متون از تنوع و چند دسته‌بندی اصلی برخوردارند. به عبارتی متون و منابع تاریخی مطلوب پژوهش به سبب اعتبار سنجش و تحلیل و نتیجه‌گیری منابع مختلف و متنوع تاریخی را شامل می‌شود که تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی اجتماعی، سفرنامه‌ها، گزارشات اداری و بیوگرافی‌ها، رمان‌ها و داستان‌ها، مطبوعات و ... از این دسته‌اند که در مقاله حاضر صرفاً به روش برخورد با منابع و بررسی چند نمونه از تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی اجتماعی پرداخته شده است.

نتایج و یافته‌ها

همان‌طور که آمد در این قسمت از میان تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی و اجتماعی که پیرامون محلات تهران نگاشته شده است به بررسی و تحلیل و تفسیر ۵ کتاب و استخراج عوامل و معیارهای ادراک مفهوم محله پرداخته خواهد شد. توضیح این‌که داده‌های منابع، دوره تاریخی اواسط دوره قاجار تا حدود میانه‌های دوره پهلوی دوم را شامل شده است. در جدول زیر این کتاب‌ها به اختصار معرفی شده‌اند.

جدول ۱: معرفی تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی اجتماعی		
نام کتاب	نویسنده	توضیحات معرفی تاریخ‌نوشته
محله اولداجان (عودلجان)	ناصر تکمیل همایون	در این کتاب سابقه تاریخی محله و عوامل اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری محله، پراکندگی ساکنان و تعلقات آن‌ها بررسی شده است.
محله سنگلج	محمدحسین ناصریخت	این کتاب به سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی، بافت محله و سکونت‌گاه‌ها، جمعیت و حرف و مشاغل محله پرداخته است.
محله کلیمیان	ناصر تکمیل همایون	در این کتاب، ویژگی این محله و زندگی اجتماعی و فرهنگی و دینی ساکنان و شخصیت‌های برجسته آن و روابط آنان با ساکنان مسلمان و حکومت بررسی شده است.
محله خانی‌آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)	سهند لطفی، مهسا شعله	این کتاب ذیل پنج فصل معرفی می‌گردد؛ در فصل اول به تاریخ و جغرافیای محله. فصل دوم به ساکنان اولیه محله، ترکیب جمعیتی، مشاغل و شیوه‌های زندگی ساکنان، فصل سوم به مکان‌های مهم و افراد سرشناس محله، فصل چهارم بر زندگی و خانواده غلام‌رضا تختی و سرانجام در فصل نهایی به وضعیت موجود محله پرداخته شده است.
محله امام‌زاده قاسم	سهند لطفی	در این کتاب به چگونگی شکل‌گیری محله امام‌زاده قاسم یا بالادژ پرداخته شده و سیمای امام‌زاده قاسم، مردمان این محله، فرهنگ این محله، مکان‌ها و شکل محله بررسی شده است.

برای بررسی و تحلیل مفهوم محلات، ابتدا قسمت‌هایی از متن منابع فوق به تفکیک عوامل و معیارهای مورد نظر پژوهش در جداولی ارائه می‌گردد. سپس از هم‌نشینی، برهم‌منش و مقایسه عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله که از ۵ محله مختلف استخراج گردیده و از پس فرآیند تفسیر داده‌های منابع، نتایج نهایی از نقش هر معیار در ادراک مفهوم محله در تهران دوره قاجار و پهلوی (پهلوی اول تا حدود اواسط پهلوی دوم) برداشت شده است.

بررسی معیار مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی مبین نظام پیوسته رفتارهای اجتماعی در میان محلات در دوره‌های قاجار و پهلوی است. همشینی و همزیستی میان محلات با پیروان ادیان و مذاهب مختلف از جمله مسلمانان، یهودیان و مسیحیان به خصوص در دوره قاجار از مهم‌ترین نمودهای روابط و مشارکت بین محلی است. در عین حال که می‌توان شاهد سکونت و حضور طبقات مختلف اجتماعی و منزلتی در یک محله بود که این همزیستی و هم‌آوایی به خصوص در دوره قاجار نمود بیشتری داشته است. هر محله دارای اماکن و پاتوق‌هایی برای فعالیت‌های اجتماعی از جمله حل و فصل امور ساکنان و یا مرکز جنبش‌های سیاسی و مذهبی در مقاطع زمانی مختلف بوده و حضور روحانیون در محلات از عوامل انسجام و هدایت اهالی در فعالیت‌های جمعی و تعاون بین آن‌ها به شمار می‌رفته است؛ در این کارکرد اجتماعی، عناصر کالبدی مهمی چون امام‌زاده‌ها و اماکن مقدس دیگر نقش ویژه‌ای را بر خوردار بوده‌اند. همچنین مشاغل و حرفه‌های گروهی از جمله ریسندگی به عنوان حرفه غالب در محلات خود نوعی از روابط جمعی مرتبط با مشاغل را فراهم می‌آورده که مبتنی بر نوعی تفکیک محلات بر پایه مشاغل حرفه‌ای نیز بوده و در دوره پهلوی اول و پس از آن نمود بیشتری یافته است و در نهایت و بر پایه شواهد مطرح شده می‌بایست به برگزاری آداب و آیین‌های ملی و بومی در محلات در مناسبات ویژه اشاره کرد.

جدول ۳: معیار اول: تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی:	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی
محله اودلاجان (عودلاجان)	<ul style="list-style-type: none"> گروه‌های اجتماعی با نام و نشان در آن محله بزرگ زیسته‌اند. ناگفته نماند که بسیاری از خانه‌های اودلاجان موقوفه اشخاص خیر و نیکوکار برای مصرف امور خیریه بوده است. ص ۸۴، خ ۷-۱۰ (قاجار و پهلوی) اودلاجان دربردارنده پیروان مذهب تشیع (اسلام)، یهودیان و اقلیتی از مسیحیان بوده است. اما دو گروه مسلمان و یهودی (کلیمی) طی سال‌ها زندگی مشترک با یکدیگر، همزیستی نسبتاً آرام و سالمی داشته‌اند. ص ۳۷، خ ۷-۹ (قاجار)
محله سنگلج	<ul style="list-style-type: none"> محله سنگلج داری ۹ پاتوق بوده است و هر یک بخشی از بناهای محله را دربر گرفته بودند. ص ۶۳، خ ۲۰۱ (قاجار و پهلوی) خانه میرزا حسن آشتیانی، محل امن و مکان حل و فصل امور مردم و ستاد اصلی جریان مبارزات تحریم تنباکو بود که به قول کسروی «نخستین تکان در توده ایران» در پیدایش جنبش مشروطیت به شمار رفته است. ص ۸۵، خ ۱۹-۲۳ (دوره قاجار) در گذشته به لحاظ اجتماعی و منزلتی، شیوه زندگی اهالی، شکل و نمای افقی داشت. در همه جای محله، بیش و کم همه طبقات و گروه‌های اجتماعی سکونت داشتند. حتی سفارت‌خانه‌ها و اماکن کار و زندگی خارجیان نیز در همه محله گسترش یافته بود. ... هیچ یک از محله‌ها بدون اعیان و اشراف و روحانیان بزرگ نبود و همه محله‌ها دارای امام‌زاده و اماکن مقدس بودند و همین امر ادغام اجتماعی و انسجام مردمی را پدید می‌آورد. ص ۱۰۴. (قاجار)
محله کلیمیان	<ul style="list-style-type: none"> مشاغل برجسته‌ای چون طبابت و داروسازی نیز گاه برعهده یهودیان محله بود. نیازی که جامعه به طبیبان یهودی داشت، روابطی را بین طبیبان و شخصیت‌های بزرگ کشوری و دربار پدید می‌آورد و شرایط همزیستی مناسبی را سامان می‌داد. ص ۳۶، خ ۱۵-۱۸ (دوره قاجار) به پاره‌ای هنرهای زنانه (گلدوزی و مخمل‌کاری و زردوزی و...) و آموزش آن‌ها در مجامع زنانه محله نیز باید اشاره کرد که همراه با پاره‌ای کارهای اعتقادی (طلسم و دعا و...) رابطه زنان مسلمان و یهودی را تقویت می‌کرد. ص ۳۹، خ ۷-۹ (دوره قاجار)
محله خانی-آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)	<ul style="list-style-type: none"> چاپخانه‌های آن زمان، گرچه دیگر دایر نیستند، اما خاطرات آن‌ها با مردم باقی است؛ چون نقالی‌ها، «شامورتی» بازی‌ها، چشم‌پندگی‌ها، ترنابازی و حتی معرکه‌گیری پهلوان‌ها و سینی مسی پاره‌کردنشان در این محل‌ها بوده است. ص ۷۹، خ ۶-۹ (اواخر دوره قاجار و پهلوی اول) سردربازارچه استاد علی و آن فضای کوچک زیر سقف بازارچه، روزگاری پاتوق جوانان و نوجوانان محله بوده است. به لحاظ این که خرازی و لوازم التحریر فروشی آقای اسلامی، محل توزیع مطبوعات و فروش کتاب هم بوده، این فضای کوچک، محل تجمع جوانان فعال و عرصه‌های سیاسی و مذهبی و گاه محل رویارویی و درگیری آنان با شرورهای محله بوده است. ص ۷۸، خ ۴-۹ (دوره پهلوی)

<p>• به گفته مطلعان محلی، تمامی «داش‌ها» و اهالی منطقه و شهرنشین‌ها، در سایه ستوات‌ها (سایه‌بان) می‌نشسته و به گفتگو و تفریح می‌پرداخته‌اند. صدای زنگی که به سنگ آسیاب متصل بوده، نوای زمینه این فضا بوده است. ص ۵۴. خ ۱۳-۱۰ (قاجار و پهلوی)</p> <p>• کار ریسندگی کرک و پشم با دوک دستی و بافتن جوراب پشمی را در این آبادی، پیش‌تر مردان روستا برعهده می‌گرفته‌اند؛ آن هم در فصل سرد که نسبتاً طولانی بوده است. مردان آبادی، دور هم می‌نشسته‌اند و ضمن گپ زدن و صحبت، نخ می‌ریسیده و جوراب بافی می‌کرده‌اند. ص ۵۶. خ ۲۳-۱۷ (اواخر قاجار و پهلوی)</p> <p>• آیین‌ها و آداب «بالادژ»، مشترک و مشابه با همان‌هایی است که در منطقه جاری است؛ همچون شب چهارشنبه سوری، عید نوروز، سیزده به‌در، شب‌چله، انواع آش پختن‌ها و سفره انداختن‌ها، عزاداری‌ها، ازدواج، بچه‌دار شدن، دعا نویسی و رمالی، طب سنتی، افسانه‌ها، اشعار، ترانه‌ها و... ص ۷۰. خ ۱۴-۹ (قاجار و پهلوی)</p>	محلۀ امامزاده قاسم
---	-------------------------------------

بررسی این عامل در تاریخ‌نوشته‌ها نشان از پیوند زندگی با اماکن دینی، فرهنگی، تجاری و بناهای عام‌المنفعه و تعلق ویژه ساکنان نسبت به اماکن متبرکه به خصوص امامزاده‌ها و برقراری نوعی حس مالکیت بر اماکن خاص مذهبی محله دارد. همچنین اهالی نوعی حس تعلق به بزرگان دینی، سیاسی و ادبی محله خود داشته و تحت عنوان هم‌محله-ای به ابراز تعلق و پیوند خود با این افراد در مقیاس‌های کلان‌تر شهر یا منطقه می‌پرداختند. از سوی دیگر در عین تفاهم در برگزاری مراسم دینی به خصوص عزاداری‌ها، نوعی رقابت و خودنمایی بین محلات با هدف نمود توان و ظرفیت بیشتر و برتر هر محله نسبت به سایر محلات وجود داشته که مبتنی بر حس تعلق به محله نمود یافته است. همچنین باید به انتصاب نام و نشان افراد موثر و اعیان و اشراف محله بر گذرها و کوچه‌ها به واسطه تعلق ساکنان به مکان زیست و حتی ترجیح بر نام‌گذاری نام امامزاده‌ها بر محلات به جهت تعلق ساکنان به عنصر کالبدی شاخص هویتی محله اشاره کرد. یکی از مهمترین موارد در تبیین معیار فوق، سابقه خدمت و سکونت برای افراد در محله بوده که عامل تبدیل سکنة غیر بومی به بومی محله محسوب می‌شده؛ به گونه‌ای که سرایدارها در بسیاری از موارد به سبب تداوم در سکونت و تملک بخشی از مایملک صاحب خانه یا باغ، به تدریج ساکن بومی تلقی شده‌اند.

جدول ۴: معیار دوم: میزان حس تعلق به محله	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار میزان حس تعلق به محله
محله اودلاجان (عودلاجان)	<p>• در هر محله اماکن دینی، فرهنگی، تجاری، اقتصادی و بناهای شخصی و اختصاصی در هماهنگی با بناهای عام‌المنفعه شکل گرفته‌اند و مردم هر محله از آن میان ساکنان اودلاجان زندگی خود را در پیوند با آنها نظم داده‌اند. ص ۵۰. خ ۱۶/ ص ۵۱. خ ۵-۱ (دوره قاجار و پهلوی)</p> <p>• برپایه احصایه‌ها، پژوهش‌ها و گزارش‌های گوناگون، نام صاحبان و ساکنان خانه‌ها و عمارت‌ها و سکونتگاه‌های شخصیت‌های مهم کشور (دیوانیان‌شاهزادگان، علما) بیش و کم شناخته می‌شود. سه تن از بزرگان دینی، سیاسی و ادبی ایران، مرحوم آیت الله بهبهانی از رهبران مشروطیت، شهید آیت الله سیدحسن مدرس، سیاستمدار ملی و نماینده نامدار مجلس شورای ملی و روانشاد پروین اعتصامی، شاعره برجسته دوران معاصر، در این محله زندگی کرده‌اند. ص ۶۷. خ ۱۱-۹/ ص ۶۸. خ ۳-۱ (دوره قاجار و پهلوی)</p>
محله سنگلیج	<p>• به دلیل نبودن اماکن متبرکه (به جز سید ناصرالدین (سید نصرالدین) اقبال مردمی به سکونت در آنجا، همانند محله‌های دیگر چون اودلاجان دیده نمی‌شد. ص ۱۴. خ ۴-۱ (قاجار و پهلوی)</p> <p>• مراسم عزاداری در تمام تکیه‌ها و حسینیه‌های سنگلیج برقرار بود و با آن که نوعی رقابت پدید می‌آورد اما در ایجاد تفاهم اجتماعی اثراتی باقی می‌گذاشت. ص ۸۵. خ ۱۴-۱۱ (دوره قاجار و پهلوی اول)</p>

<p>● نام و نشان پاره‌ای خیابان‌ها و گذرها و کوچه‌ها که در کتاب اودلاجان (عودلاجان) آمده، نشان دهنده تعلقات اجتماعی و سیاسی ساکنان منطقه است که بخشی از آنان اعیان و اشراف و بازرگانان و روستاییان قدیمی تهران به شمار می‌آمدند. ص ۲۹. خ ۳-۱ (اواخر قاجار و پهلوی اول)</p>	<p>محله کلیمیان</p>
<p>● میان ساکنان خانی‌آباد، از همه صنفی بوده‌اند، و از طرفی هر خاندان و خانواده خاستگاهی داشت، متفاوت با دیگران؛ اما همه هم‌محله‌ای بوده‌اند، پس دسته عزاداری‌شان هم باید محله‌ای باشد. ص ۶۳. خ ۲۱/ ص ۶۴. خ ۱ و ۲ (دوره قاجار و پهلوی)</p>	<p>محله خانی‌آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)</p>
<p>● دیگر از مردم غیربومی، کسالتی بوده‌اند که با خرید باغ‌ها و تبدیل اراضی بایر به باغ، در همان محل‌ها خانه‌هایی داشته، و در هنگام گرمی هوای تهران در آنجا به سر می‌برده‌اند. باغبان‌ها و سرای‌داری‌های برخی از این باغ‌ها هم غیربومی بوده‌اند که بعدها با برخورداری از سابقه خدمت، تکه زمینی از صاحب باغ گرفته و سرپناهی در آن احداث کرده‌اند و به این ترتیب، امام‌زاده قاسمی شمرده شده‌اند. ص ۴۶. خ ۱۹-۱۲ (دوره قاجار و پهلوی)</p> <p>● گرداندن نام آبادی از «بالادژ» (بعدها دزج بالا، دیزج بالا) به «امام‌زاده قاسم» نشان دهنده اهمیت امام‌زاده در میان مردم آبادی است. ص ۸۳. خ ۲</p>	<p>محله امام‌زاده قاسم</p>

بررسی این معیار گواه بر قلمرو تعریف شده برای محلات با بهره‌گیری از عناصر کالبدی چون دروازه، ارگ و ... است که به مرور و به واسطه توسعه‌های پسین، این ویژگی بیشتر با خیابان فراهم گردید؛ شواهدی نیز بر تفکیک قلمرو با ویژگی‌ها و تمایزات قومی وجود دارد از جمله محله سادات یا محله شیرازی‌ها و عرب‌ها. همچنین به مفهوم سلسله‌مراتب و حریم دسترسی به فضاهای خصوصی خانه‌ها با تمهیدات طراحانه توجه خاصی شده است به طوری که ویژگی حفاظت و محرمانگی در نسبت با موقعیت قرارگیری خانه در محله نوعی ارزش و امتیاز برای خانه محسوب می‌شده است. از دیگر سو ایجاد قلمرو با هدف تامین حریم برای اقلیت‌های دینی از جمله یهودیان به سبب سبک خاص زیست ایشان و نوع بهره‌برداری تعریف‌شده آنان از مواد خوراکی کاشر (معادل حلال در تعبیر اسلامی) و تامین حریم برای ابنیه دینی از جمله کنیسه‌ها و گرمابه‌های یهودیان با هدف تسهیل و تعریف در بهره‌برداری ایشان از عملکردهای ویژه از موارد مرتبط با این معیار است. از مصادیق دیگر باید به تعریف پاتوق یا فضاهای مختص به حضور ساکنان محله به عنوان قلمروهای اختصاصی برای هم‌محله‌ای‌ها با کارکردهای جمعی اشاره کرد که مکانی برای فعالیت‌های تعریف‌شده سیاسی و یا مذهبی محله بود که بعضاً به واسطه مفهوم قلمرو، با حضور نامتعارف افراد ناشناس دیگر برخورد و مقابله می‌شد. در تعبیری دیگر، مفهوم سلسله‌مراتب و حریم (برگرفته از حرمت) در چنین دسته‌های عزاداری محلات با معیارهای ارزش‌مدارانه از جمله حضور دسته عزاداری‌های محلات سادات‌نشین در پیشاپیش دسته‌های دیگر بروز یافته است که البته مشابه این رویکرد را در سلسله‌مراتب دید و بازدیدهای مناسبی نیز می‌توان شاهد بود؛ به گونه‌ای که دیدار بزرگان قوم و محله در اولویت قرار داشت.

جدول ۵: معیار سوم: قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم
<p>محله اودلاجان (عودلاجان)</p>	<p>● اودلاجان یا عودلاجان به عنوان یک محله شکل گرفته در شمال شرقی تهران صفوی دارای دو دروازه به بیرون شهر بود. دروازه شایمان در شمال (خیابان پامنار کنونی) و دروازه دولاب در حد جنوب غربی محله (چهارراه شهید مصطفی خمینی، سیروس سابق)، از سوی جنوب به بازار و محله بازار و محله چاله میدان (خیابان پانزده خرداد، بوذرجمهری سابق) و از سوی غرب، به ارگ سلطنتی (خیابان ناصریه، ناصرخسرو کنونی) محدود می‌گردید. ص ۲۲. خ ۱۱ و ۱۰ (دوره قاجار)</p> <p>● یکی دیگر از دلایل قومی نام‌گذاری‌ها، سکونت اقوام و گروه‌های خاص در یک محله است همچون محله کلیمیان، محله سادات، محله شیرازی‌ها، محله شام‌بیاتی‌ها، محله عرب‌ها، محله خراسانی‌ها، محله افغان‌ها، محله افشارها، کوچه خندانده‌لوا و جز این‌ها. ص ۳۶. خ ۲۰-۱۷ (دوره قاجار و پهلوی اول)</p>

<p>محلۀ سنگلیج</p>	<ul style="list-style-type: none"> • این محله، فقط دارای یک دروازه (دروازه قزوین) بود که در آغاز بنای تهران شاه تهماسبی در میدان شاهپور (وحدت اسلامی) قرار داشته است و از طریق آن تهران با سایر نقاط ایران (شمال و غرب کشور) ارتباط پیدامی‌کرد. بعدها دروازه دیگری به نام خانی‌آباد در امتداد دروازه محمدیه (احداث شده در زمان محمدشاه قاجار) جای گرفت. ص ۲۵، خ ۱۳-۸ • بالاخانه‌ها را معمولاً برای درآویش و پیر(شاد)ها و به صورت نذر جهت فقرا و مانند آن می‌ساختند و چون راهی علاحده داشت و بر روی بام خانه‌ها قرار گرفته بود، هرگز تماسی میان سکنه آن با اهل خانه به عمل نمی‌آمد، که ساکن مزبور از همان راه هستی وارد و از همان خارج می‌گردید و مراجعین آن‌ها نیز به همین صورت که ملاقات و برخوردی میانشان با ساکنین خانه به عمل نمی‌آمد. رمال‌ها و دعانویس‌ها و اطبا نیز از همین بالاخانه‌ها استفاده می‌کردند. ص ۶۵، خ ۱۰/ص ۶۶، خ ۶-۱ (قاجار و پهلوی)
<p>محلۀ کلیمیان</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ملاحظاتی سنتی نزد یهودیان اهمیت زیادی داشت و به همین سبب، یهودیان به منظور نزدیکی به قصابی و لبنیات فروشی کاشر(تهیه مواد خوراکی مطابق شرع یهود) و گرمایه و شرکت در مراسم مذهبی در کنیسه‌ها از دوره فتحعلی شاه صاحب محلۀ مخصوص در تهران شدند. ص ۱۳، خ ۶/ص ۱۴، خ ۳-۱ (دوره قاجار و پهلوی اول) • در محلۀ یهودیان خانه‌هایی که در آخر پس کوچه‌های تنگ و باریک واقع شده بودند، ارزش زیادتری داشتند، زیرا آن‌ها محفوظ‌تر بودند. ص ۲۳، خ ۱۹-۱۶ (دوره قاجار و پهلوی اول)
<p>محلۀ خانی-آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • سردر بازارچه استاد علی و آن فضای کوچک زیر سقف بازارچه، روزگاری پاتوق جوانان و نوجوانان محلۀ بوده است. به لحاظ این که خرازی و لوازم التحریر فروشی آقای اسلامی، محل توزیع مطبوعات و فروش کتاب هم بوده، این فضای کوچک، محل تجمع جوانان فعال و عرصه‌های سیاسی و مذهبی و گاه محل رویاری و درگیری آنان به شروهرای محلۀ بوده است. ص ۷۸، خ ۹-۴ (دوره پهلوی)
<p>محلۀ امامزاده قاسم</p>	<ul style="list-style-type: none"> • گاهی هم دسته‌های شمیران به هم می‌پیوسته‌اند و با تشکیل یک دسته بزرگ، از تجریش محل امامزاده صالح تا حضرت عبدالعظیم می‌رفته‌اند و برمی‌گشته‌اند. از لحاظ این که در دسته عزاداری امامزاده قاسم، اکثریت با سادات بوده است، شمیرانی‌ها به احترام ایشان، این دسته را پیشاپیش دسته‌های دیگر حرکت می‌داده‌اند. ص ۷۱، خ ۲۲-۱۸/ص ۷۲، خ ۱ • عید دیدنی‌ها، از خانه بزرگان قوم آغاز می‌شده و به صورت دسته‌جمعی، از این خانه به آن خانه می‌رفته‌اند تا به همه خانه‌ها سرزده باشند؛ برخی از رجال مقیم باغ‌سراها نیز، در روزهای نوروز، با اهالی دیدار می‌کرده‌اند و به هر نفر یک سکه قرآنی نقره (شاهی سفید) عیدی می‌داده‌اند. ص ۷۳، خ ۲۴-۱۶ (دوره قاجار و پهلوی اول)

در بیان ویژگی ارزش‌های فردی و اجتماعی باید به سنت پسندیده وقف اشاره کرد؛ این شاخصه دینی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی در جریان سکونت محلات بوده، به طوری که آثار موقوفه و امور خیریه متعددی از اشخاص خیر و نیکوکار در محلات برجای مانده است که در بسیاری از موارد به نام خیرین نامگذاری می‌گردید و به عنوان عنصر شاخص محلۀ در پیوند با ساکنان تعریف می‌گردید. در این میان به خصوص عناصری چون قنات‌ها و سقاخانه‌ها که نمود بارز تفکرات دینی مبنی بر اهمیت و تعالی عنصر آب و آب‌رسانی (سقایه) است از شهرت بیشتری برخوردار است. همچنین در ارتباط بین ساکنان محلۀ و یا تعامل محلات با یکدیگر، احترام متقابل جایگاه ویژه‌ای داشته که نمود بارز آن را می‌توان در احترام متقابل و همراهی و هماهنگی محلات یهودی‌نشین و مسلمانان در برگزاری مراسم دینی شاهد بود. از دیگر ارزش‌های رایج می‌توان به وساطت و میانجی‌گری بزرگان در امور خیر یا رفع مشکلات ساکنان یک محلۀ و یا بین محلات و در مقابل شکیبایی طرفین اشاره کرد. همچنین احترام گزاردن به بزرگان و سالخوردگان و تسهیل امور مرتبط با ایشان و آموزش آن به جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

جدول ۶: معیار چهارم: ارزش‌های فردی و اجتماعی	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار ارزش‌های فردی و اجتماعی
<p>محلۀ اودلاجان (عودلاجان)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • بسیاری از خانه‌های اودلاجان موقوفه اشخاص خیر و نیکوکار برای مصرف امور خیریه بوده است. از آن میان خانه خانم نجم‌السلطنه (مادر دکتر مصدق) که موقوفه بیمارستان نجمیه بوده است. ص ۸۴، خ ۷- (دوره قاجار و پهلوی اول) • دلیل دیگر نام‌گذاری‌ها، بناهایی است که توسط حاکمان یا افراد خیر و کارگشا ساخته شده، و محلۀ بدان‌ها شناخته شده است؛ چون گذر حمام خانم، گذر کاروانسرای دانکی، گذر حمام نواب و جز این‌ها. ص ۳۶، خ ۱۶-۱۲ (دوره قاجار و پهلوی)
<p>محلۀ سنگلیج</p>	<ul style="list-style-type: none"> • طی سال‌های شکل‌گیری و توسعه محلۀ سنگلیج، قنات‌هایی توسط اعیان و اشراف یا نیکوکاران در داخل محلۀ یا در کناره‌های آن تعبیه شده است. سه قنات از شهرت بیشتری برخوردارند. ص ۱۸، خ ۲۲-۲۰ (قاجار و پهلوی) • سقاخانه نهادی بود برای نوشیدن آب رهگذران محلۀ که نیکوکاران مذهبی آن را بنامی کردند. مشهورترین آن‌ها عبارت بودند از: سقاخانه حاج رجب‌علی (جنب تکیه) با این کتیبه: «قال رسول الله: افضل الاعمال السقایه»، سقاخانه نظام‌الدوله معین (نزدیک باغ معین) ص ۲۱، خ ۵-۱ (قاجار و پهلوی)

<ul style="list-style-type: none"> • کلیمیان در محله خود همواره احترام مسلمانان را رعایت می‌کردند. مشهور است که در ایام عاشورا پرچم سیاه بر خانه‌های خود برمی‌افراشتند و پیراهن سیاه می‌پوشیدند و در بخش‌هایی از مراسم شرکت می‌کردند. ص ۶۲. خ ۳-۱ (دوره قاجار و پهلوی اول) • در مراسم مذهبی یکدیگر هر دو گروه به طور نسبی با تساهل و تسامح شرکت کرده‌اند و در اتفاقات ناگوار، سران و بزرگان مسلمانان و یهودیان سعی در رفع مشکلات داشته و عوام تحریک شده را به شکیبایی فرامی‌خواندند. ص ۷۹. خ ۲۱-۱۸ (دوره قاجار و پهلوی اول) 	<p>محله کلیمیان</p>
<ul style="list-style-type: none"> • در این محله به بچه‌ها آموخته بودند که دیر یا زود، باید عصای دست بزرگ‌ترها شوند و با تمامی این محرومیت‌ها و سخت‌گذشتن به بچه‌ها، بزرگ‌ترها احترام داشتند و هیچ بچه و نوجوانی نبود که نسبت به سالخوردگان و بزرگسالان محله، کم‌احترامی کنند. ص ۶۱. خ ۲۰-۱۸ / ص ۶۱. خ ۱ (دوره پهلوی اول و دوم) • افراد با نفوذ و معتمدی چون شیخ‌علی مدرس تهرانی بنابر نزدیکی و شناختی که از مردم محله داشته‌اند، موجباتی فراهم آورده بودند که داراها و توانمندان، در خدمت نادارها و ناتوانان باشند. آثار این نیت در محله آن زمان مشهود بوده است. ص ۱۱۰. خ ۱۵-۱۳ (دوره پهلوی اول و دوم) 	<p>محله خانگی - آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • درباره تعدد مساجد روستا، که خیلی هم کوچک بوده‌اند، نظر ساکنان قدیمی این است که رفت و آمد در راه‌های داخل روستا، در فصل سرد برای اهالی دشوار بوده است، به ویژه برای ساکنان پیر که بیش‌ترین مسجدهای آبادی بوده‌اند. بنابراین، ساکنان هر محله در نزدیک‌ترین جای مناسب، یک مسجد کوچک می‌ساخته‌اند. ص ۶۲. خ ۲۱ / ص ۶۳. خ ۱. (قاجار) 	<p>محله امامزاده قاسم</p>

یکی از معیارهای موثر در ادراک مفهوم محله، عناصر شاخص و نمادهای کالبدی محلات است. آنچه می‌بایست به آن اشاره شود، اهمیت ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی در تشخیص و نمادینه‌سازی عناصر کالبدی محلات است. در نتیجه این عناصر عموماً یا امامزاده‌ها و مساجد، مدارس و از این دسته‌اند و یا عناصری بوده‌اند که در باورهای دینی و به واسطه کارکرد ویژه خود دارای اهمیت و ارزش محسوب می‌شده‌اند که از آن جمله می‌توان به قنات‌ها، سقاخانه‌ها و موارد مشابه که کارکرد ویژه‌ای در آداب دینی و باورهای ساکنان داشته‌اند اشاره کرد. البته در متون از ابنیه و عناصر دیگر نیز سخن به میان آمده که از آن میان، زورخانه‌ها یا چای‌خانه‌های محلات را می‌توان نام برد که محمل خاطرات متنوعی از محلاتند و همواره در ادراک ساکنان نقش داشته‌اند. در مواردی نیز به ابنیه و فضاهایی اشاره شده که یا خانه فرد شاخصی است و یا مرتبط با صنعت و حرفه خاصی است که در اغلب این موارد تشخیص و اهمیت ابنیه یا عناصر محله به واسطه کارکرد اجتماعی و یا مکان‌خاطره بودن آن است تا کالبد و یا عملکرد آن. البته در تمامی موارد، تبلور هنر معماری و تزئینات استادانه در طراحی و نمود ابنیه و عناصر محله بسیار تأثیرگذار بوده که در برخی متون نیز بدان اشاره شده است.

جدول ۷: معیار پنجم: عناصر کالبدی شاخص و نمادین:	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار عناصر کالبدی شاخص و نمادین
<p>محله اودلاجان (عودلاجان)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • آب آشامیدنی و شست‌وشوی اهالی از سه قنات مشهور اودلاجان با نام‌های حاج علی‌رضا، شاه، مهرگرد و همچنین قنات‌های دیگر مانند پلنار تامین می‌شد و نه تنها کلان محله یاد شده را سیراب می‌کرد، بلکه محله‌های جنوبی خود را نیز برخوردار می‌ساخت. ص ۲۹. خ ۱۱-۶ (قاجار و پهلوی)
<p>محله سنگلج</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در محله سنگلج (بخش شمالی) چشمه آبی قرار داشت که آب تمام محله را بیش و کم در نهرهایی تامین می‌کرد و آن منطقه را «آب پخش‌کن» نامیده بودند که در حال حاضر درون پارک‌شهر قرار دارد. ص ۱۷. خ ۱۶-۱۴ (قاجار و پهلوی) • آب انبار معیر که در محله سنگلج ساخته شده بود، دومین آب‌انبار بزرگ تهران بود. ص ۲۰. خ ۱۴ و ۱۵ (قاجار و پهلوی) • امامزاده ناصرالدین، که تنها امامزاده محله سنگلج و یکی از چهار امامزاده شهر و تهران قدیم است، در این منطقه قرار دارد. ص ۳۵. خ ۱۴-۱۲ (قاجار و پهلوی) • در محله قدیم سنگلج، «مجمع الصنایع» معروف نیز قرار داشت که در غرب جبه‌خانه مبارکه، مشرق گذار و بازارچه صندوقدار واقع شده بود و باروت‌خانه یا فورخانه قدیم نیز وجود داشت. ص ۸۴. خ ۶-۴ (دوره قاجار و پهلوی)

<p>محله کلیمیان</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در مورد اماکن مقدسه یهودیان در اودلاجان نیز برپایه اسناد و مدارک، آشکار می‌شود که از بدو مهاجرت به تهران و سکونت در محله، نخستین کنیسه فزونی یافته و آموزش‌ها و عبادات دینی در آن‌ها برقرار گردیده است. ص ۱۲۵. خ ۲-۵ (دوره قاجار و پهلوی اول) • تأسیس مدارس آلیانس، نوآوری در آموزش نوجوانان و جوانان کلیمی را پدید آورد و اندیشه‌های سیاسی و گرایش‌های مذهبی جدید را موجب شد جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان، جماعت کلیمیان را با حاکمیت قانون و حقوق انسانی آشناتر ساخت و در حیات اجتماعی محله و زیست جدید و قانونمند آنان اثرات زیادی باقی گذاشت. ص ۱۲۵. خ ۱۲-۱۶ (دوره قاجار و پهلوی اول)
<p>محله خانی - آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • با شکل‌گیری محله و اشغال اراضی، فضاهای عمومی جدیدی احداث می‌شود که گویا قدیمی‌ترین بنای برپا، همان مسجد قندی است. بنای این مسجد در اواخر دوره سلطنت مظفرالدین شاه شروع شده و در آغاز سلطنت احمد شاه به پایان رسیده است. ص ۷۱. خ ۷-۴ (اواخر دوره قاجار و پهلوی اول) • ورزش‌خانه «گردان» یا همان زورخانه محله، در زمینی کوچک بنا شده بود که تا دو سه سال پیش، گرچه متروک اما برپا بود. مالک و بانی این ورزش‌خانه، حسین پهلوان، از اهالی ورزشکار محله بوده است که پس از ایشان، برادرش احمد حسین پهلوان آن‌جا را اداره می‌کرد. ص ۸۰. خ ۱۱ و ۱۲ / ص ۸۱ خ ۴-۱ (پهلوی اول) • در محله خانی‌آباد، امام‌زاده‌ای نیست؛ اما مردم سه سقاخانه برپا کرده بودند که تشنگان در آنجا آبی بنوشند و شمع‌های نذری در شب‌های تاریک، پیش پای رهگذاران را روشن سازد. این سه محل هنوز باقی است. ص ۸۲. خ ۲۱-۱۹ (احتمالاً اواخر دوره قاجار و پهلوی اول)
<p>محله امام‌زاده قاسم</p>	<ul style="list-style-type: none"> • از زمانی که امام‌زاده با آبادی فاصله داشته و به عنوان یک فضای بیرونی محسوب می‌شود تا آن زمان که با گسترش بافت قدیم روستا و توسعه ساختمان‌های بقعه و صحن امام‌زاده، جزئی از آبادی شده و تا امروز مهم‌ترین مکان به شمار می‌آید. ص ۸۳. خ ۷-۲ (قاجار تا کنون) • قدیمی‌ترین کاخ «امام‌زاده قاسم» هم باید قصر کاووس باشد که فتحعلی‌شاه قاجار در اوایل ذی القعدة سال ۱۲۳۸ ه.ق آن‌جا با اسب به قله توجال صعود کرده است. ص ۹۴. خ ۱۱-۹ (قاجار و پهلوی) • با یاد عباس حمامی، یادی از گرمابه آبادی هم بشود که هنوز ساختمان آن سرپاست و روزگاری از مکان‌های شاخص روستا بوده و در بخش مرکزی آن قرار داشته است. ص ۹۵. خ ۸-۶ (قاجار و پهلوی)

در خصوص کیفیت رضایت‌مندی ساکنان از محلات، همان‌طور که پیشتر آمد تابع عوامل مختلفی است که در مجموع رضایت‌مندی مادی و رفاه و یا رضایت معنوی و آرامش را پدید می‌آورد. این معیار در منابع بیشتر با بیان خدمات متنوع محلی و به طبع آن ایجاد رضایت در سکونت اهالی و یا در بیان احساس رضایت ساکنان از سکونت و تعاریف مثبت و منفی آنان نمود یافته است. در نتیجه کلیه توصیفات از ابنیه و عملکردهای خدماتی از شواهد قابل سنجش در این معیار به شمار می‌روند که بسته به کیفیت و نوع خدمت‌رسانی عامل رضایت و یا نارضایتی ساکنان بوده‌اند. بالطبع ذکر بناهایی چون مساجد، مدارس، مکتب‌خانه‌ها، ابنیه موثر در تامین و پخش آب در محله، بازار یا اماکن تجاری محله و یا حتی پوشش گیاهی مناسب و وضعیت مطلوب آب و هوایی نیز از جمله موارد رضایت‌مندی ساکنان و در مقابل توصیف فضاهای ناامن، آلوده و انباشت زباله موجب نارضایتی آنان محسوب می‌گردند. همچنین مجموع توصیفات از سکونت اهالی در جنبه‌های مختلف زیستی، امنیت و آرامش و تداوم سکونت در محلات را می‌بایست از جنبه‌های دیگر رضایت‌مندی از محله برشمرد.

جدول ۸: معیار ششم: رضایت‌مندی از محله	
نام منبع	داده‌های استخراج شده از متون مرتبط با معیار رضایت‌مندی از محله
<p>محله اودلاجان (عودلاجان)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در این محله پیش از ایجاد دارالخلافه ناصری و پس از آن مساجد و مدارس و مکتب‌خانه‌های اسلامی و تکیه‌ها و حسینیه‌ها و سقاخانه‌های دیگری بنا شده است. ص ۳۷. خ ۱۶-۱۴ (دوره قاجار) • تعداد مکتب‌خانه‌ها مشخص نشده، ولی در هر محله یک یا دو باب مکتب‌خانه وجود داشته است. عبدالغفار از یک مکتب‌خانه «مجان» یاد کرده است که جای آن در محله اودلاجان بوده است. ص ۳۹. خ ۱۶-۱۳ (دوره قاجار)

<p>محله سنگلج</p>	<ul style="list-style-type: none"> • به علت فراوانی نسبی آب که از منطقه «آب بخش» سنگلج سرازیر می‌شد، موقعیت ترقی محله فراهم شده است. (ص ۱۴، خ ۲ و ۱) (دوره قاجار) • در این محله هم فزون بر آب‌انبارهای شخصی (خانگی) چندین آب‌انبار عمومی توسط خیران و نیکوکاران و اعیان و شرافت‌های ساخته شده که آب آشامیدنی مردم محله را فراهم می‌ساختند. (ص ۲۰، خ ۴-۱) (قاجار و پهلوی اول) • عمارت‌های عالی و ساختمان‌های برجسته در محله سنگلج چشمگیر بوده‌اند و به قول دکتر بولاک «محل سنگلج بیشترین قصور را شامل می‌شود» (ص ۷۰، خ ۲۰ و ۲۱) (قاجار و پهلوی)
<p>محله کلیمیان</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ملاحظات سستی نزد یهودیان اهمیت زیادی داشت و به همین سبب، یهودیان به منظور نزدیکی به قصبات و لیتات‌فروشی کانتور (تهیه مواد خوراکی مطابق قوانین شرح یهود) و گرمابه و شرکت در مراسم مذهبی در کنیسه‌ها، از دوره فتحعلی شاه صاحب محله مخصوص در تهران شدند که به مرور به عنوان «محله کلیمیان» شهرت یافت. (ص ۱۴، خ ۳-۱) (دوره قاجار) • در وسط محله کلیمیان میدان کوچکی که هنوز وجود دارد (۱۳۳۹ش) و موسوم به سرچال است در آن تاریخ در اثر اشکال عبور به خارج و دهها دلال دگر، اشغال‌های خانها را در آن میدان می‌ریختند و این کثافت حتی از بلندی خانه‌های اطراف می‌گذشت. (ص ۲۶، خ ۱۲ و ۱۱)؛ (ص ۳۵، خ ۲ و ۱) (تاریخاتی از محله) (پهلوی اول)
<p>محله خانی‌آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • تقریباً هر صاحب باغ و کشتزاری، فانی برای خود داشته است؛ مثل باغ وزیر دفتر که هنوز کویه می‌باشد. به این نام در محله هست؛ و باغ وزیر نظام که مدرسه حکیم نظامی، پس از انتقال از حانی‌آباد، در محل این باغ احداث شد. (ص ۲۸، دوره قاجار و پهلوی اول) • از اراضی سایر محله، به تدریج خانه‌های خشکی و چینه‌ای، یک طبقه سربرآوردند. بر معبر و بیشتر در امتداد غرب آن، دکان‌هایی گشوده می‌شوند تا ساکنان برای خرید نان، سبزی، قند و چای، حبوبات و گوشت و دیگر کالاهای مورد نیازشان از محله خارج نشوند. (ص ۲۹، خ ۱۵-۱۱) (دوره قاجار و پهلوی اول) • پس از مساجد گرمابه‌های محل از دیگر بناهای مهم به شمار می‌روند. (ص ۷۶، خ ۲۲) (دوره قاجار و پهلوی اول)
<p>محله امام‌زاده قاسم</p>	<ul style="list-style-type: none"> • وجود سفره‌های آب زمینی و چشمه‌های متعدّد نیز نمشی بوده است که بیشتر اهالی متمکن غربی‌ها از آن بهره می‌بردند؛ لاسی قنات‌ها و استخرها، حاکی از این واقعیت است. (ص ۵۸، خ ۱۲-۹) (دوره قاجار و پهلوی) • گلاب‌دره، دره معروف و مصفاغ غرب‌آبادی، یا پوشش درختان تپوه، هوای خنک آب‌روان و زمین پاکیزه، محل بترتبه مسافرتی بوده است که مدتی از تیلستان را -گرچه چند روز و شب- در چادر به سر می‌بردند. (ص ۸۸، خ ۳-۱) (دوره قاجار) • باغ ملک در حاشیه غربی گلاب دره و بر بلندی مشرف به «امام‌زاده قاسم» قرار گرفته است. قسمتی از باغ ملک و اطراف استخر بزرگ آن محل آسایش کسندی بوده که روزهای گرم را در سایه درختان می‌گذرانده، و در استخر باغ آنتی می‌کرده‌اند. (ص ۸۸، خ ۱۱) (دوره قاجار و پهلوی)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محله نهادی اجتماعی و شاکله انتظام‌دهنده به ساختار شهر سنتی ایرانی - اسلامی است. در حالی‌که تغییر تدریجی الگوی سکونت در دوره معاصر و به خصوص در چند دهه اخیر موجب کم‌رنگی مفاهیم اصیل سکونت در محلات شده و در نتیجه سکونت در محلات امروز با ساختار جدیدی روبرو است. محلاتی که معانی والای سکونت و کارکردهای اجتماعی پویای گذشته خود را به فراموشی سپرده‌اند و دیگر محله را نمی‌توان مکان سکونت و مامن آرامش انسان دانست. با هدف دستیابی به تحول مفاهیم محله در دوره‌های اخیر تاریخی، این پژوهش به بازخوانی مفهوم سکونت در محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف و از آنجا که مفهوم محله در گروی نحوه ادراک ساکنان آن است ابتدا عوامل و معیارهای ادراک مفهوم محله و روش استخراج و تحلیل داده‌ها از متون تاریخی معرفی گردید. سپس با کاوش در تاریخ‌نوشته‌های فرهنگی و اجتماعی محلات تهران مرتبط با دوره قاجار و پهلوی به استخراج نقش و ویژگی هر معیار در میان پنج محله تاریخی تهران پرداخته شد. نتیجه این‌که معیارهای بررسی شده در محلات این دوره بر پایه متون تاریخ‌نوشته‌ها حاکی از نقش اجتماعی و مشارکت بالای ساکنان محلات در جنبه‌های مختلف زیست محلات است. شکل‌گیری خودجوش تشکله‌ها و گروه‌های اجتماعی محلی با اهداف گوناگون شامل امورخیر، نهضت‌های سیاسی و دینی، همکاری‌های شغلی و حرفه‌ای، روابط و احترام متقابل اهالی با یکدیگر و حتی مسلمانان با صاحبان ادیان دیگر، تجمعات محلی در فضاهای عمومی محله از جمله زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و بازارچه‌های محلی و ... همراه با کارکردهای متنوع اجتماعی جاری در این فضاها از جمله

مصادیق بارز مشارکت و ارتباطات گسترده اجتماعی در مقیاس محلات بوده است. محلاتی که مکان ظهور و تبلور ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله وقف، نیکوکاری، احترام به دیگران و دستگیری محرومان و ناتوانان بوده است. در حالی که مفاهیم قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم در سکونت محله و ادراک ساکنان تعریف و نمود یافته بود؛ این محلات علاوه بر این که عموماً قلمرو کالبدی تمایز یافته‌ای داشته‌اند، در ادراک ذهنی ساکنان نیز تصور و مفهومی آشنا و متعارف داشته‌اند. در این محلات به واسطه تأمین نسبی بسیاری از خدمات و نیازها در ساختار عینی و ذهنی محله و آرامش حاکم بر سکونت اجتماعی، ساکنان از رضایت‌مندی نسبی در سکونت برخوردار بوده‌اند و در نتیجه تداوم در سکونت و تمایل در حضور در اجتماعات محلی در در میان اهالی هر محله نمود یافته بود. از این‌رو ساکنان خود را جزئی از شاکله محله به مثابه مکان سکونت خود ادراک کرده و با کالبد و محیط اجتماعی خود ارتباطی معنادار برقرار می‌کنند و در نهایت می‌توان نمود و تبلور تعلقات مکانی و دل‌بستگی به محله را در شاخص‌های مختلف کالبدی، رفتاری و معنایی و در مظاهر متنوعی مطابق آنچه در بسط هر معیار آمد ردیابی و تبیین نمود.

منابع

۱. اشرف، احمد، (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره (۱)، شماره (۴): ۷-۴۹.
۲. پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۶۶)، «محلّه»، *فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره (۴)، تهران: انتشارات پاپلی.
۳. پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکانی، رویکردی پدیدار شناسانه»، *نشریه هنرهای زیبا، دوره (۱۴)*، شماره (۱۴): ۵۰-۴۰ تهران: دانشگاه تهران.
۴. پورسراجیان، محمود، (۱۳۹۴)، «ارزش‌های محلّه تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان»، *نشریه علمی پژوهشی باغ نظر*، شماره (۳۵): ۳۹-۵۲.
۵. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷۱)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ اول، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۶. تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۹۳)، *محلّه اودلاجان (عودلاجان)*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۹۵)، *محلّه کلیمیان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه، (۱۳۷۸)، *سرانه کاربری‌های شهری*، تهران: انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن.
۹. حیدری، علی‌اکبر و مطلبی، فاسم و نگین تاجی، فروغ، (۱۳۹۳)، «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی»، *نشریه هنرهای زیبا، دوره (۱۹)*، شماره (۳): ۷۵-۸۶.
۱۰. رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی و عسگری‌زاده، زهرا، (۱۳۸۸)، «سنجش میزان رضایت‌مندی سکونتی ساکنان محلّه نواب»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره (۶۷): ۶۸-۵۳.
۱۱. رلف، ادوارد، (۱۳۸۹)، *مکان و بی مکانی*، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و کاظم ماندگاری و زهیر متکی، تهران: آرمانشهر.
۱۲. رهنمایی، محمدتقی و فرهودی، رحمت‌الله و قالیباف، محمداقبر و هادی‌پور، حلیمه‌خاتون، (۱۳۸۶)، «سیر تحول ساختاری و عملکردی محلّه در شهرهای ایران»، *نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، شماره (۱۲) و (۱۳): ۴۲-۱۹.
۱۳. زکریایی، محمد علی، (۱۳۹۱)، *طرح پژوهشی مطالعه تطبیقی الگوی مدیریت محلّه*، تهران: شهرداری تهران.
۱۴. سرعلی، رضا و پوردیبهیمی، شهرام، (۱۳۹۵)، «همسایگی و همسایه بودن»، *نشریه صفا*، شماره (۷۲): ۲۴-۵، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
۱۵. سعیدنیا، احمد، (۱۳۸۳)، *کتاب سبز راهنمای شهرداری‌ها (نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی)*، چاپ دوم، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۶. سه‌روردی، شهاب‌الدین، حکمه‌الاشراق، ترجمه سیدجعفر سجادی، (۱۳۷۷)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. شکویی، حسین، (۱۳۶۹)، *جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)*، چاپ دوم، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۸. شیعه، اسماعیل، (۱۳۷۳)، «در جستجوی سنت‌های فرهنگی در محلات مسکونی جدید»، *مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران*، تهران: انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن.
۱۹. صدیق سروسنایی، رحمت‌الله و نیمروزی، نروز (۱۳۸۹)، «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد»، *فصل‌نامه دانش انتظامی*، سال دوازدهم، شماره (۲)، صص ۲۱۸-۱۸۵.
۲۰. فارابی، محمد ابن محمد، (بی‌تا)، ابونصر فارابی، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، (۱۳۷۶)، تهران: سروش.
۲۱. فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۹۱)، *همسایگی در شهر؛ مطالعه‌ای در زمینه چالش‌های فرهنگی*، تهران: تیسرا.
۲۲. فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۹۱)، *همسایگی در شهر؛ مطالعه‌ای در زمینه چالش‌های فرهنگی*، تهران: تیسرا.
۲۳. فلاحت، محمدصادق و ملک پور، نجمه، (۱۳۹۲)، «مشارکت مردمی در فضاهای باز شهرهای سنتی و نقش آن در پایداری اجتماعی»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان*، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۲۴. فلاحت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره (۲۶): ۶۶-۵۷.

۲۵. فلامکی، محمدمنصور، (۱۳۷۴)، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. قزایی، فریبا، (۱۳۸۷)، «نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه محلی (با توجه به مطالعه میدانی در دو محله شهر تهران)». مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محلات تهران. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. صص ۶۷-۷۷
۲۷. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر، (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن؛ نمونه موردی: پیاده‌راه شهرری»، نشریه هنرهای زیبا، دوره (۱۸)، شماره (۳): ۴۳-۵۲
۲۸. لطفی، سهند و شعله، مهسا، (۱۳۸۷)، محله خانی‌آباد (زادگاه جهان پهلوان تختی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۹. لطفی، سهند، (۱۳۸۶)، محله امام‌زاده قاسم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۰. ملاصدرا، بی‌تا، اسرارالایات و انوارالبینات، ترجمه محمد خواجوی، (۱۳۶۳)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۱. نادری، احمد و شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفرودی، سجاد، (۱۳۹۳)، «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی، (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره (۳): ۲۰-۷.
۳۲. ناصربخت، محمدحسین، (۱۳۹۶)، محله سنگلج، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۳. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، (بی‌تا)، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، (۱۳۵۶)، تهران: نشر همراه.

34. Dudley, Woodberry, (1998), "Guest Edition Lim Cities", Volum (15), No (3).

35. Lancaster, K. J. (1966). A New Approach to Consumer Theory. The Journal of Political Economy, 74, 132-157.